

## احکام کفایت و الگوی مصرف در نظر برخی از علمای تشیع در دوران معاصر

مجتبی باقری تودشکی<sup>۱</sup>

### چکیده

برای شناخت الگوی مصرف ابتدا لازم است که با احکام مرتبط با الگوی مصرف و اخلاق همانند احکام کفایت، اسراف، زهد و قناعت و مانند آن آشنا شویم. این تحقیق در صدد است که به احکام مرتبط با الگوی مصرف در رساله‌های عملیه، فتاوی و نظر برخی از علمای تشیع بپردازد و برای انجام این هدف ابتدا به برخی از رساله‌های عملیه رجوع می‌شود و با توجه به اینکه اکثر احکام بیان شده در رساله‌ها اتفاقی و حتی با عبارت واحد است، بنابراین احکام کفایت از یکی از رساله‌ها ذکر می‌گردد و چنانچه اختلافی ما بین علما باشد، نظرات خاص آنها با آن ذکر می‌گردد.

احکام مرتبط با الگوی مصرف در این تحقیق از رساله امام خمینی ذکر شده و همچنین در جاهایی که مساله ای در رساله‌های عملیه وجود نداشته از برخی علما و مراجع (در زمان نوشتن مقاله) سؤال گردیده و پاسخ آنها در این مقاله نوشته شده است. مقاله در نه باب نوشته شده و بیشتر در ارتباط با حداقل مصرف، اسراف و تبذیر و مانند آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: مصرف، الگوی اخلاق

طبقه بندی JEL : A13, E21

### احکام کفایت و الگوی مصرف در نظر برخی از علمای تشیع در دوران معاصر

برای شناخت الگوی مصرف ابتدا لازم است که با سطح مصرف مطلوب، سطح مصرف ممنوع و احکام آن دو در نظر علما آشنا شویم. با فرض اینکه کفایت حداقل مطلوب مصرف برای افراد باشد، بنابراین برای به دست آوردن احکام مرتبط با الگوی مطلوب مصرف باید به احکام کفایت، اسراف، مراتب مصرف و برخی مسایل اخلاقی رجوع شود.

این تحقیق در صدد است که به احکام مرتبط با الگوی مصرف در رساله های عملیه، فتوا و نظر برخی از علمای تشیع بپردازد و برای انجام این هدف ابتدا به رساله های عملیه رجوع می شود و با توجه به اینکه اکثر احکام بیان شده در رساله ها اتفاقی و حتی با عبارت واحد است، بنابراین احکام کفایت از یکی از رساله ها ذکر می گردد و چنانچه اختلافی ما بین علما باشد، نظر خاص افراد با آن ذکر می گردد.

احکام کفایت در این تحقیق از رساله امام خمینی ذکر شده و بقیه<sup>۱</sup> (رساله هایی که در نرم افزار المعجم الفقهي متعلق به مؤسسه آیه الله گلپایگانی ذکر شده اند) حذف گشته و در صورت اختلاف، فتوای بقیه علما نیز، ذکر گردیده است و همچنین در جاهایی که مساله ای در رساله های عملیه وجود نداشته از برخی علمای و مراجع فعلی (در زمان نوشتن مقاله)، سؤال و پاسخ آنها در این مقاله نوشته شده است<sup>۲</sup> و بنابراین نظر کسانی ارائه شده که به همه و یا برخی از سؤالات مذکور پاسخ داده اند.

#### ۱- مراتب مصرف و اهمیت برخی بر برخی دیگر

اکثریت علما بر سه سطح مصرف حلال معتقد بوده که از سطح پایین آن با سطح کمتر از ضروریات شدید، کمتر از ضروریات، حدّ امساک و تقتیر، کمتر از سطح حیاتی معیشت و کمتر از کفاف و از سطح بالای آن با زیادی ها (در نظر غزالی)، نیازهای غیر شدید (در نظر شهید صدر در کتاب اقتصادنا)، مصرف برای لذّت (در نظر نراقی در کتاب عوایدالایام) و سطح توسعه (در نظر برخی فقهای شیعه منتج از روایات در فتاوی همین مقاله) و تحسینیات (در نظر

۱. توضیح المسائل (فارسی) آیات عظام روح الله موسوی خمینی، محمد رضا گلپایگانی، الشیخ محمد علی الأراکی، آقای حاج سید علی حسینی سیستانی، حاج شیخ میرزا جواد تبریزی، الشیخ فاضل اللنکرانی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی، الشیخ حسین النوری، السید محمدالروحانی، الشیخ محمد تقی بهجت، حسینعلی منتظری و ابوالقاسم خویی.

۲. سؤالات از همه یا اکثر مراجع معروف از طریق اینترنت و دفتر آنها پرسیده شده است ولیکن بسیاری از بیوت پاسخی ندادند و لذا استفتائات فقط مربوط به برخی از آنها می باشد. برخی از مراجع و علمای ذکر شده در مقاله نیز، در معجم فقهي آیه الله گلپایگانی نیز رساله ای از آنها نیامده است.

شاطبی در کتاب الموافقات) همه بیانگر سطح سوم و همچنین سطح حاجیات، کفاف، سطح قناعت و زهد، ارضای نیازهای شدید و سطح کافی و حاجت نیز در نظر اکثریت بیانگر سطح دوم مصرف به حساب آمده و همچنین گاهی یک سطح خود به دو قسم تقسیم شده است؛ مثلاً سطح مسکنت و اضطرار دوسطح مربوط به مصرف کمتر از کفاف یا سطح دوم مصرف می باشد (ر. ک: جهانیان (۱۳۹۱)؛ میرمعزی (۱۳۸۸) و مقالات باقری تودشکی). در ادامه به نظر برخی از علما و مراجع قم در مورد تقسیم سطح مصرف توجه فرمایید.

### ۱-۱ مراتب مصرف در اسلام

**استفتاء:** نظر شما در مورد سطوح مصرف در اسلام چیست؟

منتظری: آنچه در اسلام هست در رابطه با طرز زندگی و مصرف سه مرتبه است. مرتبه زاهدانه و مرتبه توسعه در زندگی و مرتبه اسراف که اولی در ارتباط با خود شخص مطلوب و مقدمه رسیدن به کمالات معنوی است و دومی در ارتباط با افراد تحت تکفل و معاشرین و حفظ حیثیت اجتماعی شخص است که با انجام کارهای خیر و رسیدگی به زیر دستان و ضعفا وسیله قرب به درگاه حق را فراهم می‌سازد و سومی که در عرف و محیط و شرایط خاص زندگی فرد به زیاده روی تعبیر می‌شود، اسراف و حرام است.

صافی: مرحله امساک و تقتیر، کفاف با قناعت، توسعه و اسراف. توسعه ایجاد رفاه برای عائله است تا حدی که اسراف و تبذیر نباشد و قناعت و تحمیل آن بر عائله در وقت نداری است. ولی انسان برای خودش می‌تواند در همه حال جهت تربیت نفس به اندک از دنیا قناعت نماید.

موسوی اردبیلی: مراتب مصرف عبارت است از: مرتبه تقتیر، مرتبه کفاف و مرتبه توسعه و مرتبه اسراف، همچنین باید ذکر شود که تقتیر بدون قصد زهد و قناعت، و نیز اسراف روش‌های مطلوب زندگی در اسلام نمی باشد و مرحله زهد در افعال و کفاف و قناعت در زندگی شخصی و مرحله توسعه در زندگی خانوادگی همراه با رعایت اعتدال و میانه روی روش‌های مطلوب مصرف می‌باشد؛ در خبری از عبدالله بن ابان آمده است: «سألت أبا الحسن الأول عليه السلام عن النفقة علی العیال، فقال: ما بین المکروهین: الاسراف و الاقتار»<sup>۱</sup>.

گرامی: ۱- امساک و تقتیر که از قناعت کمتر است، و به عنوان زهد هم نیست؛ ۲- زهد؛ ۳- قناعت و کفاف؛ ۴- توسعه؛ ۵- اسراف.

بیات زنجانی: سطح مصرف با توجه به شرایط و موقعیت اجتماعی و منابع درآمدی و شأن افراد که در سؤالات گذشته به آنها پاسخ داده شد، مشخص می‌شود و بنابراین سطح مصرف در اسلام آن است که مسلمان از مقدورات درآمدی خویش با رعایت کردن مقررات شرعی بدون

۱. از امام کاظم (ع) در مورد نفقه عیال سؤال کردم، امام فرمود بین دو امر حرام است: اسراف و اقتار.

افراط و تفریط استفاده کند.

نظر گرامی متفاوت از سه نظر دیگر می باشد و بنابراین معتقد به چهار سطح مصرف است؛ در حالی که بقیه نظرها همانند هم بوده و در نتیجه زهد، قناعت و کفاف با یک سطح مصرف سازگار دیده می شود.

## ۲- محدوده مصرف ممنوع

مصرف دارای مراتب است که برخی از مراتب آن ممنوع است. اسراف و تبذیر از موارد ممنوع مصرف بوده که در نظر برخی، این دو متفاوت و در نظر برخی دیگر، یکی به حساب می آیند و در نظر اول مورد تبذیر بیان شده است که حتماً با اتلاف مال یا اشیاء فایده دار همراه است و متناسب با عدم کارآیی فنی در اقتصاد می باشد؛ در حالی که اسراف، هم با تبذیر روی می دهد و هم، با غیر از تبذیر که اسراف خاص می باشد و آن بهینه نبودن مصرفی است که اتلافی نیز در آن وجود ندارد. مصرف بیش از شأن درآمدی مصرف غیر بهینه است که اسراف بوده ولی با تبذیر همراه نیست و خلاصه اینکه اسراف یعنی نبود کارآیی اقتصادی. البته در نظر یکی بودن اسراف و تبذیر همه موارد اسراف هم اسراف بوده و هم تبذیر.

همچنین در برخی نظرات اسراف و تبذیر در ارتباط با از بین بردن و یا درست استفاده نکردن مال دآن است ه شده و برخی آن را فراتر دآن است ه و حتی درست استفاده نکردن از آشغالی که در سطح خرد مال نیست را نیز اسراف و تبذیر دآن است ه اند. سؤال زیر که از مراجع و علما شده است، به این مطلب اشاره دارد (ر. ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۶).

## ۲-۱- تبذیر در دور ریختن اشیای بی قیمت ولی با فایده

استفتاء: آیا اسراف فقط در مال است و یا اینکه اسراف در غیر مال در اشیایی که فایده دار می باشند نیز راه دارد و بنابراین در شرایط فعلی چه بسا دور ریختن آشغال ها به محلی دور از دسترس شهرداری که از آنها استفاده می کند، اسراف باشد.

صافی: آنچه که دارای فوایدی است که مورد اعتناء عقلاست، از بین بردن آن فوائد اسراف محسوب می گردد ولی مورد مذکور در سؤال از آن مورد نیست.

منتظری: مورد مذکور از موارد تبذیر است و آنچه در سؤال مطرح شده است، حرام می باشد. موسوی اردبیلی: اتلاف نمودن و هدر دادن اشیایی که بالفعل و بدون مشقت صاحبانش برای استفاده صحیح و مشروع صلاحیت دارند و عقلاء انسان را در اتلاف آنها نکوهش می کنند، تبذیر و اسراف بوده و جایز نمی باشد. در روایتی از سلیمان بن صالح آمده است: قلت لابی عبدالله (ع) ما ادنی ما یجیء من الاسراف؟ قال: ابتذالک ثوب صونک و اهراق فضل انائک و اکلک التمر و رمیک بالنوی هاهنا و هاهنا (الحر العاملی، ج ۲۱: ۵۵۵).

گرامی: آری اگر شهرداری به راحتی جداسازی زباله را برای مردم آسان کرده است، اسراف

محسوب می‌شود

بیات زنجانی: همان طور که اسراف را معنا کردیم و آن عبارت بود از تجاوز از حد اعتدال، و اما مثالی که آورده اید مانند آشغال‌ها، اتفاقاً در همان ماده اسراف در روایت وارد شده است، بیرون انداختن هسته خرما از طرف معصوم مورد نهی واقع شده و از مصادیق اسراف ممنوع به شمار رفته است.

به نظر می‌رسد که همه جواب‌ها به فایده داشتن آشغال‌ها در سطح کلان توجه داشته و جواب آیه الله صافی گلپایگانی ناظر بر سطح خرد برای یک فرد و یا یک خانواده است.

## ۲-۲- کدام مصرف خمس دارد؟

از برخی مسائل رساله‌های عملیه به دست می‌آید که در برخی موارد بر مصرف نیز علاوه بر دارایی خمس وضع شده است که خود فرد باید آن را تخمین زده و مقدار پولی آن را به محل مصرف آن برساند و برخی از موارد آن نیز در جامعه مغفول است که سؤال زیر به آن اشاره دارد (ر. ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

**استفتاء:** در فتاوا دیده می‌شود مخارجی که بدون غرض عقلایی می‌باشند، مؤونت و مخارج معاف از مالیات خمس، محسوب نمی‌شوند. بنابراین آیا چنانچه شخصی بیش از شأن درآمدی خود انفاق کرد و یا بیش از شأن خود، وارد مخارج تجملاتی شد و مثلاً به رنگ کاری خانه مشغول شد در حالی که شأن درآمدی او با این کار سازگار نبود، آیا این چنین شخصی باید خمس این مخارج را نیز، بپردازد؟ یا اینکه این چنین مخارجی با غرض عقلایی همراه است. صافی: تعیین هزینه‌های نامتعارف آنچه مورد غرض عقلایی نیست هم با عرف و عقلاست و خمس آن لازم است.

**منتظری:** آنچه از ارباب مکاسب در باب خمس مستثنی می‌باشد، مؤونه متعارفه و در حد شأن است.

**بهجت:** به مساله ۱۳۸۰ رساله مراجعه شود. مساله (۱۳۸۰): اگر به واسطه قناعت کردن، منفعت کسب را کمتر مصرف کند و چیزی از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. و همچنین اگر کسی بیشتر از متعارف و متناسب با شأن خود در سال از درآمد مصرف کند، خمس مقدار زائد را باید بدهد (بهجت، ۱۳۷۷).

**مکارم شیرازی:** هر گاه غرض عقلانی در کار باشد، شأن اوست ولی اگر عقلاً این کار را درباره او زائد بدانند باید خمس آن پرداخت شود؛ مثلاً به جای یک تلویزیون در هر اتاق از اتاق‌های خانه، تلویزیون گران قیمتی نصب کند.

**موسوی اردبیلی:** مخارجی که اسراف و تبذیر محسوب گردد و یا غرض عقلایی بر آنها مترتب نباشد، جزو مؤونه مستثنی شده نمی‌باشد، بلکه آن مخارجی که برای رفع نیاز و کمبود

زندگی متناسب با شرائط و موقعیت شخص مصرف گردد جزو مؤونه محسوب می‌گردد. گرامی: میزان مخارج زندگی (که خمس ندارد) بر اساس نیاز اعم از جهات مادی و آبرو و مانند آن می‌باشد و حتی مثل نیازهای روحی را شامل می‌شود که اگر ارضاء نشود، شخص دچار افسردگی می‌شود.

بیات زنجانی: مخارجی که غرض صحیح عقلانی ندارد یا داخل در یکی از عناوین حرام می‌باشد مانند هزینه برای عیاشی و توسعه بساط قمار و مجالس لهو و لعب و امثال ذلک تحت عناوین اسراف و تبذیر است که در ضمن سؤالات بعدی پاسخ آن را خواهیم داد و اما انفاق اگر فردی مالک چیزی نیست و نیاز به آن ندارد، چه این نیاز از قبیل خودش باشد و یا از قبیل وایستگانش نه تنها حرام نیست، بلکه دارای اجر و ثواب هم هست، حتی قرآن کریم انفاق‌های مالی را در صورتی که از مال خودش باشد- حتی اگر مورد نیاز خود و خانواده اش باشد- ایثار به شمار آورده و مورد ستایش قرار داده است و تجمل‌گرایی و استفاده مطلوب و بهینه از امکانات و پول، اگر از مال خودش باشد و یا حتی اگر قرض کند اما در پرداخت آن به زحمت نیفتد، جزء هزینه محسوب می‌شود و پرداخت خمس آن لازم نیست. اما اگر خودش نداشته باشد و از اموال دیگری استفاده کند و یا بر اولاد و عیال خودش از نظر زندگی فشار وارد سازد و در حقیقت آنان را در زحمت و مشقت قرار دهد و این هزینه را صرف تجمل‌گرایی خودش کند، در عنوان اسراف و اگر با ریخت و پاش همراه باشد، تحت عنوان تبذیر قرار می‌گیرد و حرام است و مؤونه محسوب نیست و خمس آن را باید بپردازد.

مالیات بر مصرف اسراف می‌تواند از اتلاف منابع جلوگیری کند که همه پاسخ‌ها به آن اشاره دارند.

### ۲-۳- مرز اسراف در مصرف کالاهای بسیار لوکس

برخی اوقات بیان می‌شود که مصرف برخی از کالاهای بسیار لوکس در جامعه اسراف است و لکن در مرتبه آن ممکن است اختلاف وجود داشته باشد. در اقتصاد متعارف برای کالای لوکس تعریف فنی و خاصی شده و شاخص‌هایی نیز برای شناسایی آن معرفی شده است که می‌تواند راهی برای شناخت کالای بسیار لوکس نیز در جامعه باشد و لکن نظر اکثریت علما با اسراف بودن مصرف آن به طور مطلق سازگاری ندارد که سؤال زیر به آن اشاره دارد (ر. ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۶).

**استفتاء:** در اقتصاد روز، بعضی از کالاها بسیار لوکس می‌باشند، آیا استفاده از اینگونه کالاهای لوکس اسراف محسوب نمی‌گردد؟ و آیا کلاً اشخاص می‌توانند با افزایش درآمدشان هرگونه کالای پر قیمت و با کیفیت بالایی را خریداری کرده و استفاده کنند، به گونه ای که اسراف محسوب نشود.

منتظری: اسراف زیاده روی در مصرف هر چیز و نسبت به شرایط و شئون شخص می‌باشد. مکارم شیرازی: کالاهای لوکسی که از نظر عقلایی نیازی به آن نیست، اسراف محسوب می‌شود. صافی: لوکس بودن کالا یا گران بودن قیمت ملاک نیست و اگر تهیه و خرید چنین لوازمی در شان شخص باشد، مانعی ندارد ولی اجتناب از تجملات که در حد تبذیر نباشد، مطلوب است و اگر تبذیر باشد، جایز نیست.

موسوی اردبیلی: اسراف در امور مالی، مصرف غیر بهینه و زائد بر مقدار مورد نیاز می‌باشد که البته نیاز افراد بسته به شرائط و موقعیت آنها متفاوت است؛ در حدیثی از اسحاق بن عمار آمده است که به حضرت صادق علیه السلام گفته شد: آیا جایز است فرد مؤمنی سی عدد پیراهن داشته باشد؟ فرمود: بلی، این اسراف نیست، اسراف آن است که لباس تجمل و آبروداریش را در موارد خدمت و کار استفاده نماید (الحر العاملی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۵۱).

نقطه مقابل اسراف، تقصیر و سخت‌گیری در مصرف که از زهد و قناعت نشأت نگرفته است، می‌باشد، که هر دو عمل در اسلام مورد نهی و نکوهش واقع شده است، و بهترین نوع مصرف که در اسلام نسبت به آن ترغیب و تشویق شده، قناعت در مصرف شخصی، توسعه همراه با رعایت اقتصاد و اعتدال نسبت به خانواده، عیال و زبردستان می‌باشد، پس صرف استفاده از کالاهای لوکس و گران قیمت و دارای کیفیت عالی در صورتی که متناسب با نیاز افراد و شرائط و موقعیت آنها باشد، اسراف نمی‌باشد.

گرامی: معمولاً کالاهای لوکس به کالاهایی گفته می‌شود که مورد نیاز زندگی نبوده از تشریفات زائد حساب می‌شود لیکن اگر فرض شود در موردی و در شرائطی خاص همان کالا لازم باشد که مثلاً اگر در فلان زندگی نباشد، وهن و کسر شأن شخص حساب شود، اسراف نیست. زیادی درآمد هم مجوز مصرف بیشتر نیست، مصرف مربوط به نیاز است لیکن نیاز اعم از جهات مادی یا آبرو و مانند آن می‌باشد که در ارتباط با امور واقعی است و نه توهمی و خیالی و تشریفات اعتباری خود شخص فقط.

بیات زنجانی: اسراف بر خلاف تعاریف رایج، عبارت است از تجاوز از حد اعتدال. بنابراین اگر کسی دارای درآمد بیشتری است، او می‌تواند مصرف خود را تغییر داده و بر آن بیافزاید و استفاده از کالاهای لوکس در صورتی که قدرت تهیه آن را بدون زحمت داشته باشد و تبعات جنبی اخلاقی و اجتماعی و حیثیتی نداشته باشد، مانعی ندارد و اسراف محسوب نمی‌شود و بنابراین صرف لوکس بودن ملاک ممنوعیت و حرمت نیست.

### ۳- الگوی مطلوب مصرف

مصرف حلال نسبت به خود شخص دارای مراتب است که برخی از آن مراتب واجب، برخی دیگر (مانند سطح کفاف) مطلوب و مستحب و در نهایت، برخی از مراتب بالاتر آن (یعنی مرتبه

بیش از کفاف) مکروه می باشد ولی در عین حال از برخی فتاوا به دست می آید که سطح بالای مصرف از جانب شخص نسبت به دیگران (عیال، خویشان و فقرا) نیز مستحب است و بنابراین الگوی مطلوب مصرف برای خود فرد، کفاف و برای دیگران، سطح توسعه و بیش از کفاف می باشد که سؤال بعدی از علما در این ارتباط است (ر. ک: باقری تودشکی، ۱۳۹۱).

### ۳-۱- استحباب توسعه در زندگی

**استفتاء:** توسعه در زندگی مستحب است، و بعضی از روایات بر این مساله دلالت دارند؟ محدودت استحبابی این توسعه کجاست؟ و چنانچه نفقه واجب همه نیازهای متعارف را در بر گیرد، آیا توسعه در چه سطحی از زندگی استحباب دارد تا اینکه با زهد و قناعت که بدون کاهش مصرف در حداقل متعارف ممکن نیست، تناقض نداشته باشد.

صافی: توسعه ایجاد رفاه برای عائله است تا حدی که اسراف و تبذیر نباشد و قناعت و تحمیل آن بر عائله در وقت نداری است. ولی انسان برای خودش می تواند در همه حال جهت تربیت نفس به اندک از دنیا قناعت نماید؛ والله العالم..

منتظری: توسعه به معنی سخت گیری نمودن و به حد اسراف نرسیدن است.

موسوی اردبیلی: زهد افعالی و قناعت که در اسلام نسبت به آن ترغیب و تشویق گردیده مربوط به زندگی شخصی انسان است، ولی توسعه در ارتباط با خانواده و عیال انسان است. پس تهافتی بین این دو امر نیست، و توسعه از لحاظ مورد و کیفیت و کمیت - بسته به شرائط و موقعیت افراد - باید به گونه ای باشد که همراه با رعایت اعتدال و میانه روی بوده و از هرگونه اسراف و تبذیری به دور باشد.

گرامی: از مجموع روایات و دقت در لغت به نظر می رسد زهد روحی یعنی دل نیستن و نه نداشتن و مصرف نکردن، زهد افعالی یعنی به ضرورت اکتفا کردن، قناعت اندکی از زهد گشایش بیشتری دارد و همان است که در برخی از روایات در کفاف ذکر و مدح شده است، توسعه گشایش در زندگی است که در مورد خود شخص ممدوح نیست و در مورد عیال مدح شده است.

بیات زنجانی: توسعه در زندگی عبارت است از اینکه انسان نوعی با دست و دلبازی هزینه کرده و برای خود و خانواده اش شرایط زندگی راحت تر و بی دغدغه تر و یا با دغدغه حداقل به وجود آورد. به طور طبیعی این توسعه عمدتاً در ارتباط تنگاتنگ با منابع مالی و درآمد افراد است. اگر درآمد مطلوب و سرشار باشد، در اسلام سفارش شده که از این درآمد سرشار، هم خود و هم، خانواده، نزدیکان و همسایگان بهتر بهره مند گردند و ظاهراً توسعه در زندگی با ایجاد رفاه، راحتی و آسایش برای دیگران همراه است و توسعه برای به دست آوردن آنهاست؛ والا خود توسعه با ایجاد رفاه و راحتی و آسایش برای دیگران همراه است و توسعه راه به دست



آوردن آنها است والا خود توسعه و صرف آن موضوعیتی ندارد و طبیعتاً انجام دادن کارهای خوب، مطلوب و مستحب حد قابل اندازه گیری ندارد؛ مثلاً نماز مستحبی خواندن و کمک به دیگران و دستگیری از افراد حد ندارد و تنها حدی که دارد این است که برای انجام دهنده مقدر باشد و طوری باشد که مانع انجام واجبات و یا موجب ورود در محرمات نگردد و شما می دانید نیازهای متعارف هم، حداقل و حداکثر دارد.

توسعه یعنی عدول از حداقل و تمایل به حداکثر و بنابراین انسان می تواند در همان نیازهای متعارف هم توسعه را مد نظر قرار دهد. اما مساله و معنای زهد و قناعت بیشتر به امور روحی و نفسانی بر می گردد. معنای زهد عدم استفاده از امکانات خدادادی نیست بلکه عدم تعلق روحی و نبود وابستگی به امور دنیوی است. حضرت سلیمان (ع) در عین اینکه حاکم بودند، رسول خدا (ص) و امام علی (ع) در عین اینکه حاکم مسلمین بودند، زاهد و قانع بودند. قناعت عبارت است از عدم گرایش به اسراف و تبذیر که با عدم تعلق روحی به زهد و قناعت در تضاد نمی باشد. برای اصلاح الگوی مصرف ابتدا لازم است که الگوی مطلوب برای جامعه و افراد روشن گردد تا سپس جامعه و افراد به سوی آن سوق داده شوند و تحلیل سؤال مذکور در جای خود انجام گرفته است که به آنجا احاله می شود (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۹۱).

#### ۴- شناخت حداقل مصرف

همان گونه که بیان شد، مصرف دارای مراتب است و بنابراین یک حداقل مصرف حلال داریم و یک حداکثر مصرف حلال که هم مرز با اسراف است. علمای اسلام معتقدند که حداقل مصرف و یا درآمد، به اندازه رفع فقر (یا خط فقر) است که رساله های عملیه نیز به آن پرداخته اند (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸).

#### ۴-۱-۱ تعریف کفایت (حد فقر)

۴-۱-۱- (مساله ۱۹۲۵): انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند: اول، فقیر، و او کسی است که مخارج سال خود و عیالش را ندارد، ولی کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را بگذارند، فقیر نیست (خمینی، ۱۳۷۳). (آنچه نوشته می شود از رساله امام خمینی است و نظر بقیه رساله ها اگر با ایشان یکی باشد، ذکر نمی گردد و لکن اگر متفاوت باشد در ادامه ذکر می شود).<sup>۱</sup>

#### ۴-۲- چگونگی تشخیص کفایت (حد فقر)

راه هایی برای تشخیص کفایت افراد وجود دارد که برخی به صورت عینی بوده و برخی به صورت ذهنی که در عینی به علم و متخصصین رجوع می شود و در روشهای ذهنی به خود افراد

۱. به معنای این است که همین عبارت با همین الفاظ در رساله های دیگر نیز ذکر شده باشد.

که معمولاً از آنها در مورد حد کفایتشان می پرسند. در رساله های عملیه برخی مسائل با روشهای ذهنی همخوانی دارد که مسائل زیر به آنها اشاره می کند (ر. ک: باقری تودشکی، ۱۳۹۰، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱).

(مساله ۱۹۳۱): به کسی که قبلاً فقیر بوده و می گوید فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می شود زکات داد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

(مساله ۱۹۳۲): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، اگر از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است، می شود به او زکات داد (همان، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

(مساله ۱۹۴۰): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکات ندهند. (خوئی، ۱۴۱۲: ۳۳۳)

(مساله ۲۰۳۱): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکات ندهند (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۴۲).

(مساله ۱۹۴۰): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکات ندهند (سیستانی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۹).

(مساله ۱۹۲۴): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده چنانچه به گفته او اطمینان پیدا نشود، نباید به او زکات بدهند (روحانی: ۳۲۵).

(مساله ۱۹۲۵): کسی بگوید فقیرم، نمی شود به او فطره داد، مگر آنکه از گفته او اطمینان پیدا شود، یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است (روحانی: ۳۲۵).

(مساله ۱۹۳۹): کسی که می گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، اگر از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است، می شود به او زکات داد (تبریزی: ۳۴۹).

(مساله ۲۰۱۹): اگر کسی بگوید فقیرم، نمی شود به او فطره داد، مگر آنکه اطمینان پیدا کند یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است (نوری، ۱۳۷۳: ۳۸۹).

(مساله ۲۰۱۳): اگر کسی بگوید فقیرم، می شود به او فطره داد، ولی اگر بداند که قبلاً غنی بوده است، بنابر احتیاط (واجب) لازم به مجرد گفتنش نمی شود فطره به او داد، مگر آنکه به گفته او اطمینان پیدا شود (تبریزی: ۳۴۹).

(مساله ۱۹۴۵): به فقیری که گدائی می کند، می شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می کند، نمی شود زکات داد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۵۹).

(مساله ۱۹۳۶): به خیال اینکه کسی فقیر است به او زکات بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسأله به کسی که می داند فقیر نیست زکات بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او بگیرد و به مستحق بدهد، پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می داند یا احتمال می داده که زکات است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق

بدهد، ولی اگر به غیر عنوان زکات داده نمی تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد، و در همه صور می تواند از مال خودش زکات را بدهد و از کسی که گرفته مطالبه نکند (همان، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

#### ۴-۳- شک در دارا بودن کفایت

فرد بسیار غنی نمی تواند زکات بگیرد و همچنین فرد بسیار فقیر نیز از مصادیق استحقاق زکات است و لکن برخی اوقات به افرادی می رسیم که در فقیر بودن و فقیر نبودن آنها شک می کنیم که آیا به آنها می توان از زکات داد و یا نه؟ و یا اینکه خود شخص به تردید می افتد که از زکات بگیرد و یا نه؟ مساله بعد در این ارتباط اس(ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).  
(مساله ۱۹۳۵): کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج یک سال او هست یا نه، نمی تواند زکات بگیرد (خوئی، ۱۴۱۲: ۳۳۲)

#### ۴-۴- توانگری بالقوه از محل شغل واملاک و کسی که کار او به اندازه کفایتش نباشد

داشتن کار فرد را از فقر خارج می کند و نداشتن آن نیز ممکن است فرد را در مصادیق آن قرار دهد و لکن برخی اوقات تردید در اصل شاغل بودن و یا شغل مکفی داشتن، برای فرد ایجاد می شود (همانند طلاب و دانشجویانی که خرج تحصیل ندارند) که مسائل بعدی در این ارتباط است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱).

(مساله ۱۹۳۰) فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می تواند زکات بگیرد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۵۸-۲۵۷).

(مساله ۱۹۲۸): صنعتگر یا مالک یا تاجری که در آمد او از مخارج سالش کمتر است، می تواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد. و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به صرف مخارج برساند (همان: ۲۵۷).

(مساله ۱۹۹۲): کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست (همان: ۲۶۵).

اگر چه سؤالات فوق برای شناخت فقیر در زمان تردید است و لکن این مساله می تواند نتیجه ای واضح در سیاستگذاری ها داشته باشد زیرا که انواع خط فقر می تواند نقاطی را برای دولت و حتی افراد محل شک و تردید کند که این پاسخ ها برای آن زمان می تواند استفاده شود.

#### ۴-۵- آیا مخارج ازدواج جزئی از کفایت است؟

برخی از نیازها مربوط به نیازهای فقر و حد کفایت است و برخی نیازهای دیگر ربطی به حد فقر ندارند و در برخی از نیازها نیز تردید است که آیا جزیی از نیاز فقر می باشند. از باب مثال خرج سفرهای تفریحی خارجی نیاز ضروری فقرا نیست در حالی که مخارج اولیه خوراک نیاز ضروری فقراست و لکن در مخارج ازدواج نیز تردید می شود که چند مساله بعد، از رساله های عملیه در این زمینه است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

(مساله ۱۹۵۱): پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد. پسر هم می تواند برای آنکه پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد (همان: ۲۶۰).

(مساله ۱۸۷۰): اگر فرزند انسان یا پدر او به ازدواج نیاز داشته باشد، پرداخت هزینه آن از زکات محل اشکال است، و بنابر احتیاط مخارج آن را از مال خودش بدهد (منتظری، ۱۳۷۷: ۳۲۸).

#### ۴-۶- توجه به شرف، شأن، آبرو و تجمل در نفقه و کفایت

از نظرات جدید مورد پذیرش در اقتصاد متعارف توجه به قابلیت های افراد در فقر و خط فقر است. در رساله های عملیه نیز در نیاز فقرا به شأن، شرف، آبرو و تجمل آنان اشاره شده است که در برخی مقالات و استفتائات نیز این نظرات منطبق بر عرف و یکی لحاظ شده است و لکن دایره آن محدود گشته است که به برخی از آن مسائل و استفتائات در اینجا اشاره می شود. (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۹۰).

(مساله ۱۹۴۹) اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید، اشکال ندارد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۶۰).

(مساله ۱۹۲۹): فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه ای دارد که ملک او است و در آن نشسته، یا مال سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد، می تواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد. و فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می تواند از زکات خریداری نماید (همان: ۲۵۷).

استفتاء: پس از عرض سلام؛ یکی از بحثهایی که در ادبیات فعلی دنیا مطرح است، بحث خط فقر است. که در معنا و مصداق آن اختلاف است و در مباحث پیرامون آن چهار نظر در جریان است. جمعی خط فقر را مطلق می دانند، جمع دیگری آن را نسبی، گروه سوومی بر

۱. نظر توجه به شأن و تجمل در فقر و خط فقر در حد افراط مورد توجه نویسندگان نمی باشد و به نظر می رسد که مساله شأن و قابلیت ها در نظر آمارتیباسن از جهت زیادی به هم نزدیک می باشند که به مقالاتی که در این زمینه توسط نویسندگان نوشته شده احاله می شود.

تلفیقی از آن دو و دسته چهارمی آن را ذهنی می‌دانند. خط فقر مطلق را مربوط به نیازهایی که بدون آنها زندگی میسر نیست، می‌دانند و نوعاً این نیازها را در خوراک، پوشاک و مسکن تعیین می‌کنند، خط فقر نسبی را در ارتباط وضع زندگی دیگر افراد جامعه معین می‌کنند و خط فقر ذهنی را امری روانی که ذهن انسان آن را برآورد می‌کند و با عادات و زهد افراد در طبقات مختلف، متفاوت می‌گردد، می‌دانند. بر همین مبنا اختلاف است، آیا برای حد فقر، باید به عادت پایین‌ترین قشر جامعه رجوع کرد؟ و یا اینکه باید به متخصصین تغذیه و استانداردهای روز رجوع کرد؟ و یا اینکه از خود افراد سؤال کرد؟ اینها همه مربوط به ادبیات امروز دنیا در مورد خط فقر است.

اما در بحث فقر و خط فقر در فقه اسلامی نیز، گاهی کلماتی از علمای بزرگوار اسلام دیده می‌شود که به برخی از این نظرات نزدیک است. مثلاً در کلمات صاحب جواهر و صاحب حدائق و دیگران، دیده می‌شود که در اسلام خط فقر با طبقات زندگی سنجیده می‌شود. آنهایی که ثروتمند و مرفه بوده‌اند، همان گونه زندگی برای آنها خط فقر محسوب می‌گردد و آنهایی که در طبقات پایین جامعه بوده‌اند نیز، همان حدّ برای آنها خط فقر حساب می‌گردد. و با توجه به اینکه مخارج همسر جزئی از کفایت خانوار است، در مورد مخارج همسر می‌فرمایند باید به روش متعارف با او برخورد کرد، و معاشرت به معروف این است که اگر زنی از طبقات بالای جامعه همسر فردی شد، نفقه واجب او همان سطح زندگی است و اگر همسر از طبقات پایین یک جامعه باشد، نفقه واجب او نیز، در همان سطح است.

بیان این نظرات برای عملیاتی کردن برنامه های اسلام در مورد فقرا لازم است و بنابراین نظر حضرتعالی در مورد سؤالاتی که در زیر می‌آید و مرتبط با این مساله می‌باشد، می‌تواند کمکی برای عملیاتی کردن نظر اسلام باشد:

۱- مراد از رعایت شرافت و شأن در خط فقر و نفقه چیست؟ ۲- آیا نیازهای متعارف در خط فقر و نفقه واجب، همان نیازهای اساسی است؟ ۳- سطح مصرف و مخارجی که این نیازها را برآورده می‌کند، طبقاتی است؟

منتظری: برخی از شؤون اعتباری که موجب اختلاف طبقاتی عمیق است مبنای شرعی ندارد، ولی برخی تفاوت ها در زندگی اشخاص وجود دارد که ناشی است از اختلاف در آب و هوا و محیط زندگی و ابزار و وسائل روز و سطح معاشرت ها و شغل های انتخابی و سلامت یا مرض افراد و یا عادت هایی که به هر جهت به تدریج جزء طبیعت افراد شده به گونه‌ای که ترک آنها موجب عسر و حرج است، این گونه تفاوت ها را در زندگی اجتماعی نمی‌توان نادیده گرفت و مقصود از غنی همسطح شدن است با زندگی متعارف بدون کمبود و مشقت که حدّ متوسط بین فقر و اتراف می‌باشد. و در روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) وارد شده است: «و ما اخذ من

الزکات فضّه علی عیاله حتی یلحقهم بالناس»<sup>۱</sup> (الجراعاملی، الوسائل ج ۶ و ۴/۸ من ابواب المستحقین للزکات) که از کلمه یلحقهم بالناس استفاده می‌شود منظور شارع از تشریح زکاه همسطح شدن جامعه و اینکه کسی از قافله اجتماع عقب نماند، می‌باشد. و در روایت دیگر ابی بصیر از آن حضرت وارد شده: «بلی فلیعطه ما تأکل و یشرّب و یکتسی و یتزوج و یتصدّق و یحجّ»<sup>۲</sup> (ج، ۶، ۳/۴۱).

صافی: تشخیص شأن و شرافت افراد با عرف محل زندگی ایشان است و نیاز های متعارف زندگی هم بر حسب شخص و جامعه و منطقه محل زندگی به عرف آن محل مشخص می‌باشد. مکارم شیرازی: منظور از شأن این است که اگر کمتر از آن باشد مردم آن را حمل بر حقارت می‌کنند و این مساله جنبه تشریفاتی و زندگی طبقاتی ندارد مثلاً جوانی است که شأن او استفاده از دوچرخه یا موتور است ولی مرد بزرگسال که بزرگ خانواده محسوب می‌شود یا عامل مجوزی است شأن او نیست که از دوچرخه یا موتور استفاده کند بلکه نیاز به اتومبیل سواری دارد و امثال آن.

موسوی اردبیلی: ۱- مراد از شأن مجموعه امور فردی و اجتماعی و خانوادگی و مانند آن است که به تناسب آنها نیازهای افراد در زندگی متفاوت می‌گردد، که برخی از آنها جنبه واقعی و برخی دیگر جنبه اعتباری دارد، ولی موارد زیادی از آنها جنبه توهمی و خیالی داشته و به دور از واقعیت می‌باشند و نباید در محاسبه خط فقر و یا نفقه واجب ملاحظه گردند.

۲- این گونه نیازها بسته به شرائط متفاوت است، در برخی موارد و شرائط نیازهای اساسی مثل غذا و لباس و مانند آن ملاک است و در برخی شرائط به تناسب موقعیت فرد نیازهای دیگر نیز مورد نظر است.

۳- سطح مصرف باید به گونه ای باشد که نیاز افراد و کمبودهای آنان متناسب با شرائط و موقعیت شان جبران گردد، و مفهوم این سخن طبقاتی گشتن سطح مصرف نیست.

بهبخت: ۱- مراد همان متفاهم عام است از مسلم و کافر؛

۲- بقاء حیات و تمتع از حیات هر دو را شامل می‌شود؛

۳- دافع تاذی مصرف کننده است.

گرامی: ۱- در نفقه باید رعایت نیاز و شأن طرف بشود، و معنای شأن متعارف امثال خانواده او می‌باشد.

۲- رعایت شأن منحصر به موارد ذکر شده نیست بلکه مربوط به حیثیت اجتماعی و آبرو،

۱. آنچه از زکات گرفت آن را به عیالش بدهد تا آنها را به مردم ملحق کند.

۲. آری باید آن مقداری را به فقرا بدهند تا آنها بخورند، بیاشامند، بپوشند، ازدواج کنند، صدقه دهند و به حج بروند.

نیازهای روحی مرتبط با جهات مادی نیز، می‌باشد.

۳- نیاز متناسب با شرایط اجتماعی شخص منظور است، حیثیت و آبرو، غیر از طبقاتی بودن به اصطلاح اقتصادی است.

در خاتمه لازم است عرض کنم شأن و حیثیت و آبرو، همه جا مربوط به سرمایه و درآمد و مصرف و امثال اینها نیست و چه بسا بر عکس است، مثلاً اگر رئیس یک حکومت با لباس معمولی بلکه مندرس هم باشد گفته نمی‌شود که بیچاره نداشته است بلکه مزید آبروی اوست که چقدر مواظب و زاهد است، لیکن اگر فرد عزیزی ذلیل شود و لباس مندرسی در تن کند، کسر شأن و آبروی او می‌باشد. فرق لباس حضرت امیر با لباس ظاهری امام صادق هم نیز تا حدود زیادی به همین مسائل مربوط است.

بیات زنجانی: اگر همه انسان‌ها خصوصیات مشترکی دارند از قبیل عبد بودن، آزاد بودن و فکرداشتن و از این نظر هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و به همین جهت تکلیف مشترک واحدی بر آنها مترتب است و در عین حال تفاوت فطری طبیعی هم دارند و این تفاوت‌ها در متن خلقت آنها است و برای تکامل جامعه بشری لازم و ضروری است. انسان‌ها از نظر استعداد و گرایش‌ها یکسان نیستند و همین طور در ظواهر جسمانی نیز متساوی نمی‌باشند. نیازهای زن‌ها و مردها با ذائقه‌ها و تمایلات مختلف یکسان نیست؛ زندگی ساده روستایی و شهری از حیث نیازها و ضرورت‌ها برابر نیستند حتی روحیات افراد یکسان نیست و بنابراین رعایت شرافت و شان انسان‌ها با لحاظ نیازهای افراد یکسان نمی‌باشد و با ملحوظ داشتن نیازهای ضروری و با توجه به شرایط زندگی و مقدار نیازهایی است که فعلاً دارند. مثلاً کسی تنها زندگی می‌کند یا از عیال کمتری برخوردار است، یکسان منظور نمی‌شود چرا که از نظرات احتیاجات حتی از حیث شأن اجتماعی یکسان و برابر نیستند و این مساله در ارتباط با شرایط زمانی و مکان و موقعیت اجتماعی و شغلی و ضرورت‌های اینکه از این ناحیه تحمیل می‌گردد تغییر می‌یابد و یک امر استاندارد و مطلق نبوده و تشخیص آن به عهده عرف است.

و با همین ملاک و شاخص خط فقر و نفقه‌های واجب که در فقه مطرح است محک زده می‌شود و نوعاً نیازهای اساسی متعارف هم هست و منشأ آن اموری است که در بالا ذکر شد و بنابراین مبنا و ملاک طبقاتی که در جامعه شناسی مطرح است نمی‌باشد اگر چه در جوامع فعلی مساله طبقات را نمی‌توان ملحوظ نداشت. در هر صورت در رعایت شئون افراد نیازهای واقعی آنان با توجه به تفاوت حقیقی و نیازهای نشأت گرفته از شرایط تکوینی و خصوصیات ذاتی آحاد انسانی و موقعیت‌های جغرافیایی و اقلیمی و ضرورت‌های اجتماعی و موقعیت‌های شغلی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود و با معدل‌گیری نیازها و ضرورت‌ها با توجه به شرایط زندگی و اقتضائات محیطی و امثال ذلک خط فقر به تشخیص عرف می‌شود و سطح مصرف و

مخارج ملاحظه مجموعه نیازهای طبیعی و جغرافیای و طبقاتی است.

#### ۴-۷- آیا مخارج حج و زیارت جزء کفایت است و یا نه؟

همان گونه که بیان شد در ضروری بودن برخی نیازها برای یک فقیر و همچنین لحاظ مخارج آن در خط فقر محل تردید است و این مساله به رساله های عملیه و استفتائات نیز کشیده شده است. یکی از نیازهای محلّ تردید دیگر مخارج حج و زیارت می باشد که در نظر نویسندگان اندازه مورد قبول آن اندازه ای است که در جامعه متعارف است که در اصل با این کار فقرا به جامعه ملحق شده اند و مسائل بعدی به آن پرداخته است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱).

(مساله ۱۹۸۴): فقیر می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند زکات بگیرد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۶۴).

(مساله ۱۸۵۶): فقیر می تواند از سهم فقرا برای رفتن به حج و زیارت و مانند آن زکات بگیرد، به شرط آنکه جزو مخارج متعارف او باشد. ولی اگر به مقدار خرج متعارف سالیانه اش زکات گرفته باشد بنا بر احتیاط برای زیارت و مانند آن از سهم فقرا نمی تواند زکات بگیرد، اما از سهم سبیل الله مانعی ندارد، هر چند خلاف احتیاط است (منتظری، ۱۳۷۷: ۳۲۶).

(مساله ۱۹۹۲): انسان می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها از سهم سبیل الله زکات بگیرد (تبریزی: ۳۴۴).

(مساله ۱۹۹۲): فرد می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند از سهم فقراء زکات بگیرد ولی از سهم سبیل الله مانعی ندارد (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۳۷).

(مساله ۱۹۷۳): دادن زکات برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها از سهم سبیل الله اگر زکات گیرنده فقیر نباشد یا اینکه به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد محل اشکال است (روحانی: ۳۳۲).

(مساله ۱۹۸۸): انسان می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها از سهم سبیل الله زکات بگیرد، اگر چه فقیر نباشد، یا اینکه به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، ولی این در صورتی است که رفتن او به حج یا زیارت و مانند اینها دارای منفعت عامه باشد، و بنا بر احتیاط از حاکم شرع برای صرف زکات در آن اذن بگیرد (سیستانی، ۱۴۱۵: ۴۰۷).

(مساله ۲۰۴۷): می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند زکات بگیرد ولی از سهم سبیل الله مانعی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۴: ۳۸۰).

(مساله ۱۹۸۰): فقیر می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر



به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی تواند زکات بگیرد. (حسین نوری، ۱۳۷۳:۳۸۴)

(مساله ۲۰۱۳) فقیر می تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد (اراکي، ۱۳۷۱:۳۵۵).

همان گونه که در جای خود بیان شده است فقر و خط فقر امری نسبی است و ملحق کردن افراد به سطح جامعه حتی در این امور که در روایات به آنها اشاره شده، مورد فتوا قرار گرفته است.

#### ۴-۸- نوعی و شخصی بودن کفایت فقرا

برخی عادات شخصی که صورت مصرف به خود گرفته اند، گاهی برای افراد ضروری می شوند و بنابراین لحاظ آن در فقر و خط فقر محل تردید شده است و بنابراین می توان گفت که یکی از نیازهای دیگر محلّ تردید خطّ فقر، نیازهای شخصی افراد است که از نیازهای عموم افراد متفاوت می باشد که سؤال بعدی به آن می پردازد (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

**استفتاء:** کفایتی که باید برای فقراء تأمین شود، آیا شخصی است و یا نوعی؟

صافی: خروج فقراء از فقر، تأمین ایشان بر حسب شخص، جامعه و عرف محل مشخص می شود؛ والله العالم..

منتظری: کفایتی که باید برای فقرا تأمین شود شخصی است ولی میزان در تشخیص صدق آنها، نظر عرف ملاک است.

موسوی اردبیلی: ظاهراً کفایت شخصی فقیر ملاک است، به طوری که کمبودهای وی متناسب با وضعیت فردی و اجتماعی و خانوادگی اش برطرف شده و زندگیش همسطح زندگی دیگران گشته و به حد غنا برسد؛ در صحیحه ابی بصیر از امام صادق علیه السلام آمده است: «بلی فلیعطه ما يأکل و یشرّب و یکتسی و یتزوج و یتصدق و یحج»<sup>۱</sup> و در خبر دیگری از ابی بصیر از امام صادق (ع) آمده است: «و ما أخذ من الزکاه فضا علی عیاله حتی یلحهم بالناس»<sup>۲</sup>.

گرامی: شخصی است ولیکن متناسب با شرائط خانوادگی باشد که رعایت حیثیت هم از آن جمله است.

زنجانی: مبنا در محاسبه کفایت افراد فقیر شخصی است اگرچه در زمانی که پای سیاستگذاری و اعلام برنامه باشد نوعی می شود.

اگر چه علما کفایت را با نیازهای شخصی لحاظ کرده اند ولیکن تأکید کرده اند که آن

۱. معنای آن در پاورقی قبل بیان شد.

۲. معنای آن در پاورقی های قبلی بیان شد.

نیازهای شخصی باید مورد تأیید عرف باشد.

#### ۴-۹- آیا مخارج گناه در کفایت جایی ندارد؟

برخی اوقات ممکن است که افراد پول خود را در مسیر گناهی خرج کنند و بدین ترتیب فقیر شوند و یا ممکن است افرادی باشند که پول آنها صرف مخارج و خرید کالاهای غیرمجاز شده باشد و در نتیجه فقیر شده باشند. آیا چنین افرادی که در شرایط فعلی بعد از مصرف غیر مجاز از مصادیق فقرا شمرده می‌شود، مستحق زکات می‌باشند و یا نه؟ همچنین آیا به فردی که گدایی می‌کند و مشهور به آن است می‌توان از زکات به او داد و یا او را فقیر محسوب کرد و یا نه؟ مسائل بعدی در این ارتباط است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

(مساله ۱۹۴۵): به فقیری که گدائی می‌کند، می‌شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند، نمی‌شود زکات داد (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۵۹).

(مساله ۱۹۴۶): به کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می‌آورد، احتیاط واجب آن است که زکات ندهند (همان: ۲۵۹).

(مساله ۲۰۱۶): فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند، فطره ندهند (همان: ۲۶۷).  
(مساله ۲۰۱۷): به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره بدهند (همان: ۲۶۷).

(مساله ۱۹۵۴): به کسی که شرابخوار است نمی‌توان زکات داد بلکه کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می‌آورد یا نماز نمی‌خواند هر چند آشکارا نباشد احتیاط واجب آن است که زکات ندهند (خوئی، ۱۴۱۲: ۳۳۵).  
جامعه می‌تواند در کمک به فقرا، مخارج گناه و اتلاف را کم نماید تا عادات گناه در جامعه کم شود.

#### ۴-۱۰- سؤال از تفاوت خط فقر و کفایت و رابطه آن با زندگی زاهدانه و با قناعت

یکی دیگر از مسائلی که می‌تواند محل تردید نیازهای فقر و حد فقر باشد، نیازهای مرتبط با عادات اخلاقی است. آیا شخص زاهد که عادت به ساده زیستی دارد، کفایت رافع فقرش را باید به همان اندازه در نظر گیریم و کفایت غیر زاهد را نیز به اندازه دلخواهش و یا اینگونه نیست و حد وسطی وجود دارد؟ (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶).

**استفتاء:** زهد و قناعت باعث می‌گردد مردم زندگی ساده تری را برای خود کفایت می‌بینند، آیا کفایت افراد و به عبارت دیگر خط فقر افراد با زهد آنها متفاوت می‌گردد؟  
صافی: مورد سؤال با زهد کار ندارد و زهد افراد ملاک نیست؛ والله العالم..

منتظری: فقر، زهد و قناعت مفاهیمی متغایرنند. فقر، احتیاج در عین ناتوانی مالی است ولی

زهد دوری کردن از دنیا و طیبیات آن در عین توانائی مالی است، همان گونه که قناعت اکتفاء کردن به حداقل مورد نیاز همراه با رضایت و عدم شکوه است، در عین اینکه شخص قانع، ممکن است به بیش از آن احتیاج داشته باشد و تعیین خط فقر به لحاظ احتیاج سالانه به امور ضروری زندگی مطابق با شأن است.

موسوی اردبیلی: کفایت افراد وابسته به زهد آنها نیست و ملاک فقر و غنا زندگی زاهدانه نیست، بلکه ملاک رفع نیاز و کمبودهای واقعی آنها و همسطح گشتن زندگیشان با زندگی سایر افراد جامعه است.

گرامی: زهد امری اختیاری است و لازم الرعایه نیست، قناعت هم همین طور. رعایت خط فقر باید با هر قانونی جداگانه لحاظ شود که وظیفه حاکم و حکومت، مؤدیان مالیات، و قوانین مربوط دیگر است.

زنجانی: قطعاً زهد و قناعت اگر به صورت یک فرهنگ عمومی درآید، خط فقر جامعه تغییر خواهد یافت و مطمئناً در کفایت آنان نیز اثر خواهد گذاشت. بنابراین خط فقر افراد با نوع زندگی آنان و زهد و قناعت شان متفاوت می‌شود.

#### ۴-۱۱- سؤال از رابطه مؤونه معاف از مالیات خمس و کفایت

بر سطحی از مصرف خمس تعلق نمی‌گیرد، چنانچه در روایت است که الخمس بعد المؤمنه. آیا این حد مؤونه در ارتباط با کدام سطح مصرف است؟ سطح حداقل کفایت و یا سطح حداقل کفایت مطابق با شأن و یا سطح توسعه در مصرف که هم مرز با اسراف است؟ سؤال بعدی در این ارتباط است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

استفتاء: مخارج و یا مؤونه ای که معاف از خمس می‌باشد و یا خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، همان حد کفایت و خط فقر، و یا بیش از آن است؟

صافی: تعیین مؤونه زندگی و مخارج معاف از خمس با جواب های گذشته مشخص می‌گردد؛ والله العالم..

موسوی اردبیلی: ملاک مؤونه مستثنی شده، به اندازه توسعه و در حدی که مطابق شؤون وی بوده و به اسراف و تبذیر منتهی نگردد، می‌باشد.

گرامی: بیش از آن است و در حد توسعه هم، خمس ندارد.

بیات زنجانی: همان حد کفایت است منتهی با رعایت شرایط فعلی و با در نظر گرفتن حداقل و حداکثرها و ملاحظه حد متوسط میان آنها. بنابراین اگر از حداقل کفایت عدول کند و در متوسط و معمول حرکت کند در صورتی که وارد مرز اسراف نشود جزء مخارج محسوب و خمس ندارد

#### ۴-۱۲- شناخت حداقل مصرف در تأمین نیازهای خانواده

برخی از علما معتقدند که نفقه واجب فقر افراد را برطرف می‌سازد و برخی دیگر نظر می‌دهند که نفقه جزئی از آن است و یا بالعکس و بنابراین در هر دو صورت برخی از سؤالات در ارتباط با نفقه و حد فقر است که رابطه آن دو را با هم معین می‌سازد. آیا رابطه آنها عموم و خصوص من وجه است، مطلق است و یا مساوی که در ادامه به برخی از آن سؤالات اشاره می‌شود (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

#### ۴-۱۳- نوعی و شخصی بودن نیازها در نفقه

**استفتاء:** نفقه ای که باید شوهر برای همسرش تأمین کند نوعی است و یا شخصی؟  
صافی: برخی موارد آن شخصی و برخی نوعی است؛ والله العالم.  
منتظری: مراد از نفقه همسر و عادت مزبور، شخصی است ولی میزان در تشخیص صدق آنها نظر عرف است.  
موسوی اردبیلی: ظاهراً شخصی است که بر حسب موقعیت زوج و توانایی او و نیز وضعیت فردی، اجتماعی و خانوادگی زوجه مشخص می‌گردد.  
گرامی: شخصی و با رعایت شرائط خانوادگی اش، و این با نوعی بودن به معنای مجموعه جامعه، یا طبقه اقتصادی خاص فرق دارد.  
بیات زنجانی: حد واجب در نفقه نوعی است مثلاً همسر با این شرایط و با این خصوصیات و یا مقداری که نزدیک باشد از حیث نوع و اندازه و یا چه کیفیتی نفقه لازم دارند همان مقدار برای شوهر در صورتی که میسر باشد با تشخیص عرف لازم است.

#### ۴-۱۴- عادت لحاظ شده در نفقه

**استفتاء:** عادتی که باید در جنس و نوع نفقه مورد توجه قرار گیرد نوعی است و یا شخصی؟  
صافی: برخی موارد آن شخصی و برخی نوعی است؛ والله العالم.  
منتظری: عادت مزبور، شخصی است ولی میزان در تشخیص صدق آنها نظر عرف است.  
موسوی اردبیلی: از جواب قبل روشن شد (ظاهراً شخصی است که بر حسب موقعیت زوج و توانایی او و نیز وضعیت فردی، اجتماعی و خانوادگی زوجه مشخص می‌گردد).  
گرامی: متعارف باید باشد و عادت خانوادگی نیز، با خصوصیات آن، در آن رعایت شود.  
بیات زنجانی: جواب آن در سؤالات قبل داده شده است.

#### ۴-۱۵- نوعی و شخصی بودن مشقت برداشته شده در شرع

در شرع مقدس بیان شده است که مشقت و حرج از افراد در دین برداشته شده است و لذا

بسیاری از احکام در زمانی که منجر به مشقت می‌شوند، از افراد برداشته می‌شوند و ممکن است این حکم دارای نتایج اقتصادی نیز برای زندگی افراد باشد که سؤال بعدی نیز در این ارتباط است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

**استفتاء:** مشقت و حرجی که در دین از افراد برداشته شده است، نوعی می‌باشد و یا شخصی؟

صافی: در مواردی نوعی و در مواردی شخصی است؛ والله العالم.

منتظری: مراد از مشقت، حرج، کفایت، نفقه همسر و عادت مزبور، شخصی است ولی میزان در تشخیص صدق آنها نظر عرف ملاک است.

موسوی اردبیلی: آنچه در هنگام جعل احکام و قوانین ملاحظه گردیده، حرج نوعی است پس احکامی که متضمن مشقت و حرج نوعی برای مکلفین بوده است به خاطر تسهیل امر اصلاً جعل نگردیده است، که به عنوان مثال به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

قال النبی (ص): « لولا أن أشق علی أمتی لأمرتهم بالسواک عند وضوء کل صلاه » و قال (ص): « لولا أنى أخاف أن أشق علی أمتی لأخرت العتمه الی ثلث اللیل ... »

و اما در مورد تکالیف مجعوله ای که در ظروف خاص و شرایط ویژه، به خاطر وجود حرج و مشقت، برداشته می‌شود، ملاک وجود حرج شخصی است، چرا که افراد از نظر توانایی جسمی و روحی و شرائط در حد یکسان نیستند؛ خداوند متعال می‌فرماید: «لایکلف الله نفساً الا وسعها»<sup>۱</sup>.  
گرامی: در جعل قوانین، نوعی است و در رفع تکلیف، فردی است.

بیات زنجانی: مبنای در تشخیص مشقت و حرج، فردی است منتهی وقتی که دولت‌ها می‌خواهند سیاستگذاری کنند مبنا را نوع در نظر می‌گیرند به همین جهت حداقل درآمد را در نظر گرفته و آن را با حداکثر درآمد مقایسه می‌کنند و آنها را با توجه به حداقل و حداکثر نیازهای جامعه با توجه به مناطق مختلف و عوامل دیگر در نظر می‌گیرند و با معدل گیری اعلام می‌کنند اگر متوسط درآمد‌ها از این مبلغ کمتر باشد، نوع مردم در زندگی با مشقت و عسر و حرج واقع می‌شوند، اگر چه با همین مقیاس ممکن است افرادی یافت شوند که برای آنان عسر حرج و مشقت نباشد.

۱. خداوند هیچ کس را جز به اندازه وسعش مکلف نمی‌کند.

#### ۴-۱۶- لحاظ نیازهای غیرمتعارف و اتّفاقی در نفقه

از نیازهای مورد تردید در نفقه واجب، نیازهای اتّفاقی و غیر متعارف (مانند امراض سخت علاج با هزینه درمان بالا) است که آیا آنها در نفقه واجب لحاظ می‌باشند و یا نه؟ سؤال بعدی به این مطلب پرداخته است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

استفتاء: از بعضی از علماء شنیده می‌شود و یا در فتاوا دیده می‌شود که مخارج امراض صعب العلاج یا نظیر مخارج اتّفاقی مثل تصادفات در نفقه همسر نباید مورد توجّه قرار گیرد نظر حضرتعالی چیست؟

صافی: سطح هزینه نیازهای متعارف را عرف بازار مشخص می‌کند و علی الظاهر موارد مذکور در سؤال از نفقه محسوب نمی‌شوند.

منتظری: آنچه که بر حسب ادّله از باب زوجیت بر عهده شوهر است مخارج معموله یومیه است و بیش از آن را می‌توانند در صیغه عقد شرط کنند و از باب حفظ نفس محترمه هم بر همه کس واجب است.

مکارم شیرازی: ما نمی‌گوییم نباید مورد توجه قرار گیرد بلکه می‌گوییم وظیفه شوهر این نیست که خود را به زحمت بیفکند و هزینه‌های سنگین بیماری‌های صعب العلاج را بپردازد البته هر گونه فداکاری مطلوب است.

بهجت: مورد تأمل است.

موسوی اردبیلی: مخارج معالجه امراض زن - خواه به واسطه ترک آن، زن سلامتی خود را از دست دهد و خواه دچار رنج و درد و مشقت گردد - بر عهده شوهرش می‌باشد، چه کم هزینه باشد و چه پر هزینه؛ از جملات امام صادق علیه السلام در صحیحت ربیع بن عبدالله و الفضیل بن یسار که فرموده: «... أنفق علیها ما یقیم ظهرها...» (الحر العاملی، ج ۵۰۹: ۲۱)، به دست می‌آید که بر مرد واجب است به گونه‌ای بر زن انفاق نماید که قوام او استوار و پا برجا بماند و بدیهی است ترک معالجه همسر منافات با این امر دارد، بلکه ترک معالجه او با قول خداوند متعال: (و عاشروهن بالمعروف)<sup>۱</sup> (النساء، ۱۹) نیز منافات دارد.

گرامی: به نظر اینجانب این طور نیست، بیماری‌های صعب العلاج و خطرناک نیز مدنظر است. بیات زنجانی: تمام مخارج زندگی که متعارف است و از جمله آنها هزینه‌های امراض صعب العلاج و تصادفات که برای همسر اتفاق می‌افتد جزء ضرورت‌های زندگی و از مصادیق مؤونه به شمار می‌رود.

۱. با زانتان با روش شایسته معاشرت کنید.

#### ۴-۱۷- نیاز به خادم در نفقه

اگر چه در دنیای فعلی بحث از برده داری (کنیز و عبد) منتفی است ولیکن ضرورت داشتن خدمتکار برای برخی افراد جای بحث دارد و بنابراین ممکن است که نیاز به خادم و خدمتکار نیز به عنوان نیاز برخی اشراف زادگان جای بحث داشته باشد و بنابراین از نیازهایی است که ممکن است در نفقه واجب محلّ تردید قرار گیرد و بنابراین ممکن است گفته شود که برخی از خانم ها با توجه به شأن خود عادت به لباس شستن، غذا پختن و مانند آن را در خانه ندارند و نیاز به خادم دارند آنگاه این سؤال مطرح است که نفقه آنها در چه حدّی است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۶، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷).

**استفتاء:** در فقه مطرح می‌باشد که چنانچه همسر انسان، احتیاج به خادم داشت، این مخارج جزء نفقه واجب او محسوب می‌گردد. آیا اینگونه است که در نفقه واجب همچنین خدماتی باید مورد توجه قرار گیرد؟

صافی: به جواب قبلی مراجعه شود (نیازهای متعارف زندگی، هم بر حسب شخص، جامعه و منطقه محل زندگی با عرف آن محل مشخص می‌شود).

منتظری: از مصادیق مؤونه است یعنی از نیازهای زندگی معمولی یک زن دارای شأن خاص است. گرامی: اگر حیثیت و آبروی خانوادگی همسر مقتضی این چنین چیزی باشد جزء نفقه است. مکارم شیرازی: این گونه خدمات ضروری که اتفاقاً در روایات نیز کراراً به آن تصریح شده، جزء نفقه محسوب می‌شود.

موسوی اردبیلی: بله در نفقه واجب همسر باید همچنین نیازهای اساسی وی بر طبق متعارف و متناسب با موقعیت شخصی و اجتماعی و خانوادگی او بر طرف گردد و به گونه‌ای باشد که با گفته خداوند متعال: (و عاشروهن بالمعروف) منافات نداشته باشد، و سیر کردن شکم زن و پوشاندن بدن وی که در روایات از آن نام برده شده به عنوان مثال و اظهر مصادیق نیازهای زن در زمان صدور می‌باشد.

بیات زنجانی: در نفقه واجب، همه خدمات اساسی در صورتی که در نظر عرف محلّ زندگی انسان منظور، به صورت متعارف و معمول باشد و آنها را از لوازم زندگی بدانند جزء نفقه واجب محسوب می‌شود.

#### ۵- آیا فقط اندازه کفایت محدوده استحقاق زکات است؟

گاهی برای تأمین فقرا ممکن است هزینه ای بیش از حد فقر برای آنها انجام شود چنانچه این کار ممکن است برای کم کردن فاصله طبقاتی باشد که برخی از مسائل در رساله های عملیه نسبت به پرداخت از زکات تردید کرده اند.

(مساله ۱۹۳۵): احتیاط واجب آن است که فقیر یا مسکین بیشتر از مخارج سال خود و

عیالاتش را از زکات نگیرد و اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش زکات بگیرد (خوئی، ۱۴۱۲: ۳۳۲).

#### ۶- کفایت طالب علم بر عهده کیست؟

آموزش عمومی در بسیاری از موارد همانند یک کالای عمومی بوده و همچنین دارای آثار خارجی است که دولت اسلامی لازم است آن را به عهده گیرد و لکن گاهی خود افراد با نیت‌های اجتماعی و الهی به تحصیل می‌پردازند که در مورد تأمین زندگی آنها در فقه (نسبت سهم سبیل الله و فقرا) تردید شده است که دارای نتایج اقتصادی نیز می‌باشد.

اگر افراد برای تحصیل از سهم سبیل الله تأمین شوند می‌توان بیش از مقدار حداقل هم به آنها داد و اگر از سهم فقرا باشد به اندازه خط فقر باید به آنها داده شود (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۶). برخی مسائل در این ارتباط است که ادامه می‌آید.

(مساله ۲۰۵۳): کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد می‌توان به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد (فاضل اللنکرانی، ۱۳۷۴: ۳۸۲).

(مساله ۱۹۸۶): کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد می‌شود به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد (نوری، ۱۳۷۳: ۳۸۵).

#### ۷- کسانی که کفایتشان باید از نفقه تأمین شود و نه زکات

دولت اسلامی در مسائلی باید در اقتصاد دخالت کند که مردم و بخش خصوصی ناتوان از رفع آن باشند و رفع فقر و حداقل تأمین نیازهای مردم نیز از این قسم است و بنابراین حداقل مصرف افراد ابتدا باید از جانب سرپرست خانواده‌ها تأمین شود و در صورت عدم تأمین دولت وارد شود. مالیات زکات مربوط به مخارج عمومی است و نه شخصی. مسائل بعدی در این ارتباطند.

(مساله ۱۹۴۸): انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند (خمینی، ۱۹۷۳: ۲۶۰).

(مساله ۱۹۴۹): اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید اشکال ندارد (همان: ۲۶۰).

(مساله ۱۹۵۴): زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگر چه شوهر زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید (همان: ۲۶۰).



## ۸- فاصله کفایت و اسراف

برخی می‌خواهند بگویند که در مصرف فاصله ای ما بین حد کفایت و اسراف وجود ندارد و از برخی دیگر به دست می‌آید که ما بین آنها سطح توسعه از مصرف قرار دارد. در نظر اول خط فقر و اسراف هم مرز می‌شوند و در نظر دوم فاصله پیدا می‌کنند و میزان توسعه را متناسب با شأن درآمدی فرد می‌بینند. یعنی اگر درآمدش خوب باشد، می‌تواند مصرف توسعه ای انجام دهد. سؤال بعدی در این ارتباط است (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۹۱ و باقری تودشکی، ۱۳۹۱).

**استفتاء:** آیا مصرف بیش از حد کفایت اسراف است؟ و به عبارت دیگر آیا فاصله ای ما بین کفایت و اسراف وجود ندارد؟

صافی: فاصله به حسب عرف وجود دارد؛ والله العالم.

منتظری: مصرف بیش از حد کفایتی که مطابق با شأن است، اسراف می‌باشد.

موسوی اردبیلی: اگر منظور از کفایت، حداقل رفع نیاز- که همان قناعت است- باشد، حد فاصل آن و اسراف مرحله توسعه قرار دارد که در صورتی که همراه با اعتدال و اقتصاد باشد اسراف بر آن صدق نمی‌کند، و اگر منظور از کفایت، حداکثر رفع نیاز باشد که به واسطه آن نیازهای شخص بر حسب وضعیت جسمی و روحی وی و متناسب با موقعیت اجتماعی و خانوادگی‌اش به خوبی تأمین می‌گردد، مازاد بر آن اسراف است.

گرامی: همان طور که ذکر شد پس از کفایت و قناعت، توسعه است.

زنجانی: بله مصرف بیش از مقدار و همراه با تجاوز از حد اعتدال که نوعاً با یکی از عناوین محرمه همراه است از مصادیق اسراف است و هر چه در حد کفایت است حلال و جایز است و هر چه از آن بگذارد اسراف است منتهی با رعایت حال افراد از حیث امکانات و درآمد و شرایط اجتماعی و سیاسی.

## ۹- تقدّم برخی کفایت‌ها بر برخی دیگر در شرایط کمبود منابع

مسلم است که وظیفه دولت اسلامی رفع فقر است و باید زندگی فقرا را به حد کفایت رساند ولیکن در زمانی که دولت با محدودیت بودجه روبرو باشد، تأمین کفایت برخی فقرا بر برخی دیگر مقدّم است (ر.ک: باقری تودشکی، ۱۳۸۷).

(مساله ۱۹۷۳): مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهند و در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران، و اهل علم و کمال را بر غیر آنان و کسانی را که اهل سؤال نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارند. ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد (همان، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

(مساله ۲۰۲۱): مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته

باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد (همان: ۲۶۷).

(مساله ۱۹۷۵): اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکات بدهد مستحقی نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند ولی مخارج بردن به آن شهر به عهده خود او است و اگر زکات تلف شود ضامن نیست (همان: ۲۶۳).

(مساله ۱۹۷۶): اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد. ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد (همان: ۶۳).

(مساله ۲۰۳۵): اگر در محل مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد، و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد (همان: ۲۶۹).

(مساله ۱۹۷۶): اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکات بدهد مستحقی نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند ولی مخارج بردن به آن شهر به عهده خود او است و اگر زکات تلف شود ضامن نیست. (همان: ۲۶۳).

(مساله ۱۹۷۵): اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد. ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد (همان: ۲۶۳).

#### ۱۰- طریقه پرداخت حداقل مصرف

اگر چه زکات برای رفع فقر است ولیکن دادن آن به فقرا نباید به گونه ای باشد که اسباب خجالت فقرا را فراهم کند و لذا کمکها می‌تواند با عناوین دیگری نیز به فقرا داده شود. مساله بعدی در این ارتباط است.

(مساله ۱۹۳۵): چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به طوری که دروغ نشود به اسم پیشکش بدهد ولی باید قصد زکات نماید (همان: ۲۵۸).

(مساله ۱۸۴۹): چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، بهتر است به طوری که دروغ نشود به صورت هدیه پردازد، ولی باید قصد زکات نماید. (منتظری، ۱۳۷۷: ۳۲۵).

## منابع و مأخذ

- اراکی، محمد علی (۱۳۷۱) رساله عملیه؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۶) تبیین اسراف و تبذیر در مصداق و ملاک و تفاوت آن دو با عدم بهینه یابی اقتصادی در دیدگاه های متفاوت؛ دانشگاه مفید؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۸) الگوی مصرف بر مبنای ارزشهای اسلامی؛ مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳۴؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۹۱) بررسی تأثیر شئون بر استطاعت حج؛ مجموعه مقالات همایش اقتصاد و حج؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۶) تبیین اسراف و تبذیر در مصداق و ملاک و تفاوت آن دو با عدم بهینه یابی اقتصادی در دیدگاه های متفاوت؛ مجموعه مقالات همایش بین المللی بررسی اندیشه های اقتصادی آیت الله شهید صدر، قم: مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۴) خطوط فقر متفاوت با شئوون متفاوت؛ سمینار دو سالانه اقتصاد اسلامی؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۷) رساله دکتری با تبیین و محاسبه کفایت شریعت (مطالعه موردی استان قم)؛ با راهنمایی یدالله دادگر، دانشگاه مفید؛
- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۷) رساله عملیه؛ قم: انتشارات شفق؛
- تبریزی، میرزا جواد (بی تا) رساله توضیح المسائل؛ قم: دفتر نشر گزیده؛
- جهانبیان، ناصر (۱۳۹۱) اصلاح الگوی مصرف از منظر اقتصادی؛ مقاله مجتبی باقری تودشکی با عنوان جایگاه کفاف و توسعه در الگوی مصرف در اسلام؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- الحر العاملی (۱۴۱۶) وسائل الشیعه؛ طبع آل البیت، باب ۲۸ از ابواب احکام الملابس؛
- خمینی، روح الله (۱۳۷۳) رساله توضیح المسائل؛ طهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۲) رساله توضیح المسائل؛ قم: مؤسسه لطفی؛

- دادگر، یدالله، باقری تودشکی، مجتبی، تگاهی اجمالی به سطح مصرف در اسلام؛ فصلنامه علمی - پژوهش دانشگاه مفید ۱۳۸۰؛
- دادگر، یدالله و باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۶) مطالعه تطبیقی رویکردهای کفایت (شریعت)، رفاه گرایی، توانگری و قابلیت به فقر؛ مجله اقتصاد اسلامی؛
- دادگر، یدالله؛ حسین عباسی نژاد؛ سهیلا پروین و مجتبی باقری تودشکی (۱۳۹۰) اندازه گیری کفایت شرعی و بررسی تأثیر شئون بر مقدار آن (مطالعه موردی استان قم)؛ فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴۹؛
- روحانی، محمد؛ رساله توضیح المسائل؛ مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)؛
- سیستانی، علی (۱۴۱۵) رساله توضیح المسائل؛ قم: چاپ مهر؛
- نوری، حسین (۱۳۷۳) رساله توضیح المسائل؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی؛
- صافی، لطف الله (۱۴۱۴) رساله توضیح المسائل؛ قم: دارالقرآن الکریم؛
- گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳) رساله توضیح المسائل؛ قم: دارالقرآن الکریم؛
- مکارم شیرازی، ناصر؛ رساله توضیح المسائل؛ مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)؛
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۷) رساله توضیح المسائل؛ قم: نشر تفکر؛
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۸) اصلاح الگوی مصرف، مقاله مجتبی باقری تودشکی با عنوان اصول کلی الگوی مصرف در اسلام؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۹) اسراف و تبذیر؛ مجموعه مقالات اصلاح الگوی مصرف، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- نوری، حسین (۱۳۷۳) رساله توضیح المسائل؛ قم دفتر تبلیغات اسلامی؛
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۴) رساله توضیح المسائل؛ قم: مهر؛